

درباره آثار و اشای منسوب به رسول اکرم (ص) در ایران

اشیاء مقدس



تبارک و تعالی در کعبه

«آثار، پیامبر ^(ص) اصطلاحی است که بر اشیای باقی مانده از رسول اکرم ^(ص) وبقایای منسوب بهایشان مانندتاریش هاوموها، قدمگاهها، البسه ولوازم شخصی (مانند خرقه و نعلین) و... اطلاق می شود. در برخی منابع تاریخی فارسی، تعبیر «آثار رسول» برای دلالت بر تار موهایی آن حضرت^(ص) که درنقاطی ازایران وجود داشت، بهکار رفته است. در دوره عثمانی، زیارت آثار پیامبر اکرم ^(ص) رواج فراوانی داشت وپادشاهان عثمانی شماری ازاین آثار راازدیگر مناطق تحت نفوذشان ازجمله حجاز، شام ومصر نزد خودگردآوری کردند وگاه تار مویی ازپیامبراکرم^(ص) رایبه‌رخی شهرها وحتی برخی شخصیت‌ها هدیه می دادند. برخی مشایخ صوفیان و خاندان‌های سادات درمیان‌های سنت‌تیز تار موهایی در اختیار دارند که برای اثبات مالکیتشان بر آن یاصحت انتساب آن بهپیامبراکرم^(ص)، اسناد وشجره‌نامه‌هایی ارائه می دهند مبنی بر اینکه این تار موها اززمان پیامبراکرم^(ص) میان مشایخ اجداد آنان دست‌به‌دست‌گشته تا به‌آن‌ها رسیده است. بر اساس گزارش‌های منابع تاریخی، دربرخی شهرهای ایران نیز درسده‌های میانی، تعدادی از آثار و اشیاء تار موهایی منسوب به رسول اکرم ^(ص) وجود داشته وزیارتگاه بوده است. در اینجا شماری از گزارش‌های تاریخی در باره وجود آثار پیامبراکرم^(ص) در ایران را ارائه می کنیم:
بیهقی در تاریخ بیهقی درباره همام‌بن زیدبن ابیصه، از صحابه رسول خدا^(ص) که در روستای «ایزی» بیهقی اقامت گزیده بود، اشاره کرده کاو، «کاسه مصطفی ^(ص)، را با خود همراه داشته است. عبدالجلیل رازی از سید طباطبای حسنی مقیم اصفهان باتعبیر «صاحب‌شعر رسول...» یاد کرده است که نشان می‌دهد این شخص تار مویی متعلق به پیامبراکرم^(ص) را در اختیار داشته است. حمدا... مستوفی در ضمن معرفی قلعه «نودز» در آذربایجان می نویسد: ...

و در آنجا آثار محمد مصطفی (صلعم) دارند وتأثیری نیکو دارد، در شیراز زیارتگاهی معروف به آثار رسول اکرم^(ص) وجود داشته‌است. جنید شیرازی در «شد الاثار» از ابوالسائب نامی سخن به‌میان آورده است که از پدرش تار مویی از پیامبر اکرم^(ص) رایه‌ارث برد و پس از درگشت او، آن را بنابر وصیتش با وی در گورستان دارالسلام شیراز به‌خاک سپردند. از آن پس قبر ابوالسائب به‌دلیل وجود تار موی حضرت محمد^(ص) در آن، به زیارتگاه تبدیل شد. گفتنی است قبر ابوالسائب تا امروز در گورستان دارالسلام باقی مانده است و روی آن سنگ قبر بزرگی از دوره قاجار وجود دارد که مصحح تذکره «هزار مزار» تصویر آن را با عنوان «شعر النبی» منتشر کرده است. عیسی بن جنید شیرازی، مترجم شد الاثار» از مسجدی به‌نام «خواجه‌خیر» در محله حوالی مقبره شیخ کبیر در شیراز یاد کرده که در آنجا آثار رسول اکرم^(ص) وجود داشته‌است عبارت اودر ادامه این مطلب، که از تهر تبرک آنجا رفتن ونمازگزاردن وزیارت شعر رسول علیه‌الصلوة والسلام کردن افضل زیارت‌هاست، بیانگر آن است که این آثار شامل تار مو یا تار موهایی از پیامبراکرم^(ص) بوده است. فصیح خوافی نیز از وجود آثار دیگری از حضرت محمد^(ص) نزد سیدشمس الدین علی‌بی می‌دریم خبر داده‌است. به‌گفته‌وی، زمانی که امیر مبارزالدین محمد مظفر در سال ۷۵۴ قمری در مسیرش به‌سستم شیراز، به‌شهر یم رسید، از شمس الدین علی بی‌خواستی تادرازی هر مبلغی که تعیین کند، این آثار را از او دریافت کند. اما او هرگز حاضر نشد این آثار رایه امیر مبارزالدین بدهد. شب هنگام رسول اکرم^(ص) را در خواب دید که به‌وی دستور داد: «موی محمد رایه محمد مظفر ده!» روز بعد نزد امیر مبارزالدین رفت و آثار رایه‌او تحویل داد و در ازای آن چیزی از او قبول نکرد. در نسخه دیگری افزوده شده است که امیر مبارزالدین پیش از رفتن به شیراز، آثار پیامبر اکرم^(ص) رایه‌دارالسیاده‌ای که در کرمان ساخته‌بود، فرستاد و تا زمان مؤلف کتاب، در همان جابوده است. در تیریز قدمگاهی منسوب به رسول اکرم^(ص) وجود داشته‌است که حافظ حسین کربلایی از آن یاد کرده و دو روایت مختلف در باب چگونگی انتقال آن از مدینه منوره به تیریز نقل کرده‌است. متن نوشته وی درباره این سنگ قدمگاه و داستان انتقال آن به تیریز چنین است: «قدمگاه حضرت رسول صلی... علیه‌وآله وسلم؛ در چهار منار مسجدی است معین در دیوار آن نصب کرده‌اند در سبب آنکه قدمگاه در تیریز واقع شده، روایات مذکور است. یک روایت اینکه مولانا شمس الدین معرف رحمه... فرمود که چنین استماع افتاده که سید فاضلی کامل بوده مشهور به سید عبیر. چون به شرف زیارت سید کونین مشرف گشته، در وقت سلام به آن حضرت مخاطب به جواب گشته که، و علیک السلام یاولدی، اهل مدینه را از سادات و اکابر و خدام و اهالی اعتقاد بسیار به سید مشارالیه واقع شده. وی رایه‌خانه حضرت برده‌اند و گفته‌اند که از تحفه وهادیای اینجاهر چه خاطر مبارک شمامی خواهد قبول نمایند. سید مشارالیه این سنگ قدمگاه را طلبیده، توفیق نبوده‌اند، آن رایه تیریز آورده واین مسجد را بنا کرده و در آنجا نصب کرده که همه‌کس را از زیارت آن حظی ونصیبی باشد. و از بعضی دیگر چنین استماع افتاده که اورخان که یکی از حکام بوده، با تحف وهادیای بی‌شمار به زیارت حضرت سید مختار، علیه صلوات... الملک الجبار رفته، حضرات سادات و خدام سلطان مشارالیه رایه‌خانه متبرکه آن حضرت برده‌اند و این تحفه را بدو مفوض فرموده‌اند، وی آن را آورده و آن مسجد را ساخته و آن را در آنجا نصب فرموده و در جنب آن، مقبره جهت خود فرموده تا ساخته‌اند و در آنجا مدفون است. به‌هر حال جایی به کیفیت است و محل استجابت دعا. بسیار بسیار از مردم نقل کرده‌اند که هر دعا که آنجا کردیم، مستجاب شد. عزیزی مولانا محمد رحمتا... که حضرت رسالت را بسیار در واقعه می‌دیده، نوشته که حضرت را در واقعه دیدیم، پرسیدم که این سنگی که منسوب است به قدمگاه، فی الواقع قدمگاه است؟ فرمودند که بلی، وا... تعالی اعلم بحقیقه الحال. اثر دیگر، صندل منسوب به پیامبر اکرم^(ص) است که گویا در دوره قاجار در بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی نگهداری می‌شده است. مستند این سخن، مطالبی است که درباره وضعیت شهر اردبیل و بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی در دوره قاجار، در حاشیه چاپ سنگی صفوة الصغای این بزرگوار دبیلی درج شده و در ضمن این مطالب آمده است که: «یکتای نعلین از نعل شریفه حضرت نبوی (صلی... علیه‌وآله) زینت افزای بقعه متبرکه است».



عباي منسوب به پیامبر اکرم (ص) که در موزه «توقایی» ترکیه نگهداری می‌شود

دکتر مرتضی کریمی نیا، پژوهشگر نسخ خطی قرآن کریم، از پیشرو بودن کاتبان قرآن ایرانی در هزار سال پیش می‌گوید

سنت کتابت قرآن در خطه خراسان



رادر برداشت. افزون بر قراردادان هر جزء قرآن در تعداد معینی از صفحات و اختتام هر صفحه به‌پایان یک آیه کامل، کاتبان ایرانی در این سده‌ها ابداعات دیگری نیز داشته‌اند. برای مثال می‌کشیدند تا برخی از تعبیر و کلمات بر تکرار قرآنی را با رنگی متفاوت (مثلا طلایی) به‌صورت یکنواخت در ابتدا، وسط یا انتهای سطر قرار دهند. تا پایان قرن هفتم نمونه‌ای از کتابت منظم و با قاعده قرآن را در هیچ نقطه از جهان اسلام جز ایران نمی‌یابیم.

● به نظر شما با وجود این می‌توان مدّخ سبک کتابت جدید قرآن در دوره معاصر را که هر صفحه با آیه‌ای شروع و با آیه‌ای به پایان می‌رسد، کاتبان ایرانی و خراسانی دانست؟ همواره برای من این پرسش مطرح بود که عثمان طه، کاتب و خوش‌نویس سوری، این شیوه کتابت منظم صفحات قرآنی در «مصحف المدینه النبویه» را چگونه طراحی کرده است. وقتی نمونه‌هایی از کتابت منظم قرآن به دست کاتبان عثمانی در قرن‌های سیزدهم و چهاردهم را دیدم، فکر کردم پاسخ را یافته‌ام، تا اینکه چند سال پیش به‌دوسه نمونه از قرآن‌های منظم و با قاعده از کاتبان ایرانی در قرن‌های پنجم و ششم در عهد غزنویان و سلجوقیان برخورددم.

در صدسال گذشته و پس از انحلال دولت عثمانی، کتابت قرآن‌های منظم و با قاعده به‌صورت مصاحف چاپی در جهان اسلام ادامه یافت. نسخه‌های معروف به قلم خوش‌نویس سوری، عثمان طه، در «مجمع‌الملک فهد لطابعه القرآن الکريم» با عنوان «مصحف‌المدینه‌المنوره» انتشار یافته است. اکنون بیشتر مصاحف قرآنی در جهان اسلام از این الگو در آرایش صفحات خود پیروی می‌کنند و ما آن‌ها را به «قرآن‌های ختم به‌آیه» می‌شناسیم. مهم‌ترین ویژگی ظاهری این مصاحف آن است که هر صفحه‌را به انتهای آیه‌ای از قرآن ختم می‌کنند و هر یک جزء قرآن را در تعداد معینی از صفحات (بیست صفحه) قرار می‌دهند. این‌ا همان کاری است که کاتبان ایرانی هزار سال پیش در ایران بزرگ و احتمالا در خراسان و ماوراءالنهر ابداعش کرده‌اند.

دکتر مرتضی کریمی نیا، پژوهشگر نسخ خطی قرآن کریم، از پیشرو بودن کاتبان قرآن ایرانی در هزار سال پیش می‌گوید

فرهنگی و هنری کاتبان ایرانی در خلق قرآن‌های بانظم و قاعده به‌شمار آورد.

نخستین اسناد از شکل‌گیری و کتابت قرآن به‌صورت منظم و با قاعده ما را به ایران در عصر غزنویان و سلجوقیان می‌رساند. قدیم‌ترین نسخه‌هایی که با این ویژگی می‌شناسیم، یعنی نسخه شماره ۱۰۱۱ موزه کاخ گلستان (منتسب شده به خط امام حسن مجتبی علیه السلام) و قرآن ناسب حسینی به شماره ۲۲۲۴، وقف‌شده بر حرم رضوی در سال ۵۹۰ قمری) از میانه یا اواخر قرن پنجم بر جای مانده‌اند. در قرن ششم نیز قرآن محمد زنجانی (مورخ ۵۳۱ قمری) و قرآن زرین قلم (مورخ ۵۸۲ قمری) از نمونه‌های شاخص مصحف نگاری هنرمندان ایرانی و با قواعد و نظم مشخص‌اند. این چهار مصحف قرآنی مهم را باید میراث مشترک دو سلسله هنر پرور غزنوی و سلجوقی دانست.

● این شیوه قرآن نویسی در مناطق دیگر نیز وجود داشته است؟ قرآن نویسی با قاعده که در قرن‌های ششم و هفتم در ایران تطور و تکامل بسیار یافت، در دوره ایلخانی و از طریق مبادلات فرهنگی و هنری به دربار حاکمان مالیک در شامات و مصر و نیز به نواحی مختلف آناتولی و بالکان راه یافته است و خوش‌نویسان و کاتبان قرآن در عصر مصحف از این شیوه استفاده کرده‌اند. نمونه‌هایی از این آثار اکنون در میان قرآن‌های مملوکی موجود در کتابخانه چستربیتی باقی مانده است. بازمان رفتن مالیک به‌دست دولت عثمانی بسیاری از جوانب هنری ایشان در کتاب‌آرایی اسلامی (از جمله قرآن نویسی با قاعده) به‌میان کاتبان ترک راه پیدا کرده و طی چهارصدسال میان خوش‌نویسان ترک تحول و تطور یافته است. نمونه‌های فراوانی از این سبک قرآن نویسی را می‌توان



قرآن نویسی با قاعده که در قرن‌های ششم و هفتم در ایران تطور و تکامل بسیار یافت، در دوره ایلخانی و از طریق مبادلات فرهنگی و هنری به دربار حاکمان مالیک در شامات و مصر و نیز به نواحی مختلف آناتولی و بالکان راه یافته است و خوش‌نویسان و کاتبان قرآن در عصر مصحف از این شیوه استفاده کرده‌اند

دو اجازه کهن ایرانی از نهج البلاغه در قرن پنجم

که هر دو بیانگر آن است که این نسخه متعلق به قرن ششم هجری است. نه قرن پنجم، و نیز بالای همین اجازه ورق‌های چسب‌بند شده که شاید بزرگان نوشته شده است: (حکایه ما کان علی نسخه الاصل) که فردی برای مخفی کردن آن کاغذی روی آن چسب‌بند است. بنابراین برای شناخت اصالت این اجازه باید با وسایل ترمیم این ورق از روی این برگه جدا شود. به‌هر صورت وجود چنین اجازه‌ای در قرن پنجم امری است لامحاله که اهمیت زیادی هم دارد.

اجازه دوم، اجازه‌ای است که روی نسخه کتابخانه آیت‌ا... مرعشی نجفی آمده است. این نسخه

اهتمام به روایت و درایت «نهج البلاغه»، از همان عصر مؤلف آغاز شده، اما جالب اینجاست که اجازات کهن برای تحمل این کتاب که تا کنون شناسایی شده‌اند، ایرانی هستند. این در حالی است که نهج البلاغه در عراق و در بغداد تألیف شده است.

اولین اجازه متعلق به ادیب بزرگ نیشابور، حسن بن یعقوب بن احمد نیشابوری است. این اجازه روی برگ اول نسخه کتابخانه مرکز احیای میراث اسلامی نوشته شده و تاریخش جمادی الاخر سال ۴۸۳ است. شواهدی وجود دارد که مهم‌ترین آن نوع خط و کاغذ است

کتاب «یادگار عمر» که توسط نشر کارنامه در سال ۹۹ منتشر شده حاصل گفت‌وگوی پیروز سیار با زنده یاد احمد آرام است که از سال ۱۳۶۹ آغاز شده و به سال ۱۳۷۰ پایان یافته است. در این کتاب زندگی و سوابق فرهنگی این استاد فرهیخته به‌صورت تفصیلی بیان شده است. زنده یاد آرام در کابینه دوم دولت دکتر مصدق مدتی در سمت معاون و بازرس وزارت فرهنگ مشغول به کار بود و به‌همین مناسبت مأموریت‌هایی در ممالک عرب از جمله عراق و سوریه داشته است. در آغاز این کتاب، کتاب‌شناسی احمد آرام آورده شده و سپس متن گفت‌وگوهای با او آمده است.

ایران شده بود و نه واژگان تثبیت‌شده‌ای برای بیان مسائل علمی در زبان فارسی رواج یافته بود. از آن زمان به بعد احمد آرام در طول عمر درازش حدود ۱۱۰ اثر را در رشته‌های گوناگون علمی از سه زبان انگلیسی، فرانسه و عربی به فارسی ترجمه کرد. به برکت ترجمه‌های او بسیاری از فارسی‌زبانان به مطاله آثار دانشمندان بزرگی مانند جرج سارتون، ویل دورانت، آلبرت اینشتین، ژرژ گاموف، ماکس پلانک، اروین شرودینگر، کارلو آلفونسو نیلنو، توشیهیکو ایزوتسو و بسیاری از مؤلفان دیگر پرداختند و نخستین بار با آثار غیرفارسی محققانی از جمله حسین نصر و سید حسن تقی‌زاده آشنا شدند.

یادگار عمر



کتاب شناخت

^[1] کهن ترین قرآن که در سوری کتابت شده است، این قرآن در کتابخانه چستربیتی، اردبیل نگهداری می‌شود